

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینۀ ایران

بهرام رحمانی  
۰۳ اپریل ۲۰۱۳

## طرفداران حمله نظامی به ایران،

## به وضعیت عراق توجه کنند!

۳

### زندان ابو غریب و لیست انواع شکنجه زندانی ها در این زندان مخوف

یک پایگاه اطلاع رسانی با بیان اتفاقات رخ داده در زندان ابو غریب، ۱۴ مورد از شکنجه ها در این زندان را به صورت مستند بیان می کند. در این جا به گوشه هایی از گزارش این پایگاه اشاره می کنیم.

پایگاه اطلاع رسانی الشرقیه، در سرطان ۱۳۹۰، نوشت زندان ابو غریب از جمله زندان های بسیار مخوفی است که فجایع به وقوع پیوسته در آن جهان را به وحشت انداخت، در مجموعه مطالبی که تحت عنوان «زندان ابو غریب» ارائه خواهد شد، به معرفی هرچه بیشتر این زندان خواهیم پرداخت.

در بخش اول از سری مطالب «زندان ابو غریب» گفتیم که این زندان از جمله زندان های بسیار مخوف عراق است که فجایع به وقوع پیوسته در آن هر انسانی را به وحشت می اندازد.

اشاره به نمونه ای از این شکنجه ها که از زبان زندانیانی که از ابو غریب جان سالم به در برده اند یا اعترافات نظامیان امریکائی که در این شکنجه ها دست داشتند و این مطلب قصد دارد، به آن پردازد، تأیید کننده ادعای فوق است.

\* نمونه ای از شکنجه های زندان ابو غریب: - واداشتن زندانیان به دراز کشیدن بر روی زمین و پریدن و جهیدن نظامیان امریکائی با پوتین هایشان از روی بدن برهنه آن ها؛ - برهنه کردن زندانیان و گرفتن عکس از زندانیان زن و مرد؛ - تقسیم زندانیان به چندین گروه و واداشتن آن ها به انجام کارهای غیر اخلاقی؛ - واداشتن زندانیان به قرار گرفتن روی یکدیگر و تشکیل تپه ای از پیکرهای برهنه و عریان زندانیان به شکلی بسیار توهین آمیز؛ - واداشتن زندانیان مرد به تن کردن لباس های زیر زنانه یا گذاشتن آن ها بر سر؛ - متصل کردن سیم های برق به بدن های برهنه زندانیان یا قسمت های حساس بدن و لذت بردن از تکان های ناشی از برق گرفتگی در زندانیان؛ - بستن قلاده سگ ها به گردن زندانیان و مرتبط کردن آن به یک زنجیر و کشیدن آن ها بر روی زمین و واداشتن زندانی به ادای حرکات و صدای سگ ها؛ - استفاده از سگ های نظامی آموزش دیده برای به وحشت افکندن زندان و تکه و پاره کردن بدن آن ها؛ - تجاوز جنسی به زندانیان زن و برهنه نمودن و گرفتن عکس از آن ها در برابر خانواده و بستگان زندانی؛ - گرفتن عکس های یادگاری توسط نظامیان امریکائی در کنار اجساد قربانیان شان که همان زندانیان عراقی بودند که در اثر شدت شکنجه جان خود را از دست داده بودند.

بسیاری از زندانیان آزاد شده از ابو غریب این شکنجه ها را بسیار شرافتمندانه توصیف کرده اند، چون از شکنجه هائی نام برده اند که شرافت و کرامت بشر را لگدمال کرده و جدای از آن که يك شکنجه بسیار دردناك جسمی است، شکنجه ای روحی است که در ادامه به نمونه هائی از این شکنجه ها اشاره می‌شود، اگرچه تشریح برخی از آن ها به دلیل بی شرمانه بودن آن ها بسیار دشوار می نماید.

\* - واداشتن مردان به انجام کارهای شنیع و ضد اخلاقی با یکدیگر؛ - آغشته نمودن چوبی به مواد کیمیائی سوزاننده مانند اسید و وارد کردن آن در بدن زندانیان زن و مرد عراقی؛ - ضربه زدن به قسمت های حساس بدن و اعضای تناسلی مردان توسط چماق های بزرگ و سنگین یا باتوم؛ - ریختن مایعات سوزاننده مانند آب جوش یا آب خیلی سرد بر بدن برهنه زندانیان.

ژنرال «آنتونیو تاگوبا»، مسؤول تحقیق در پرونده زندان ابو غریب در یکی از گزارش هایش می نویسد: طی ماه های اکتوبر تا دسمبر سال ۲۰۰۴، ارتش امریکا شکنجه های جنون آمیز و وحشیانه و هولناکی مرتکب شد؛ و یکی از مقامات امریکائی در تحلیل این شکنجه ها و کسانی که دست به آن ها زده بودند، گفت که بی شك این بربرها و متوحش ها (خطاب به نظامیان امریکائی) زندانیان عراقی را حیواناتی می پنداشته که شایستگی ندارند، با آن ها برخوردی انسانی داشت.

بر این اساس گزارش، «تاگوبا» لیستی از نظامیان امریکائی ارائه می دهد که در شکنجه های فوق دست داشتند که از آن میان باید به سرهنگ «گانیس کاربینسکی» مسؤول زندان، گروهیان «چارلز گارنر»، گروهیان «ایوان فردریک»، گروهیان «گوال دیویز»، سرباز «جرمی سیوتز»، سرباز «لیندی آنکلند»، سرباز «مگان امپول» و سرباز «سابرینا هرمن» اشاره کرد.

قبل از این نیز یک روزنامه غربی با انتشار جزئیات جدیدی از شکنجه زندانیان توسط مأموران سازمان اطلاعات مرکزی امریکا (سیا) از بیدار نگه داشتن مظنونین به مدت ۱۱ روز با هدف گرفتن اعتراف از آن ها خبر داده بود.

به گزارش روزنامه لس آنجلس تایمز در اردیبهشت ماه [ثور] ۱۳۸۸، هر چند در گذشته اعلام شده بود که بی خوابی یکی از معمول ترین شکنجه هائی بوده که توسط مأموران سیا علیه زندانیان اعمال می شده اما انتشار این مطلب که برخی زندانیان به مدت ۱۱ روز بیدار نگه داشته می شدند موجب تعجب اغلب کارشناسان شده است.

به نوشته این روزنامه، سازمان سیا در دوره رئیس جمهوری جرج بوش، شکنجه محرومیت از خواب را دست کم در مورد بیش از ۲۵ مظنون بازداشت شده، اجراء کرد.

بر اساس این گزارش، در یک مورد به سیا اجازه داده شد تا زندانیان را حتی به مدت ۱۱ روز از خواب محروم کنند، اما این مدت اندکی بعد به یک هفته کاهش یافت. به نوشته این روزنامه، محرومیت از خواب از مهم ترین بخش های برنامه بازجویی های سیا بود که برای از پا آوردن و درهم شکستن روحیه ده ها مظنون بازداشت شده مورد استفاده قرار می گرفت.

گرچه روش یاد شده از موارد ممنوع شده براساس دستور ماه جنوری «باراک اوباما» رئیس جمهوری امریکاست، اما یک نیروی ویژه هم اکنون نیز در حال بازبینی امکان استفاده مجدد از آن در کنار دیگر روش های بازجویی است.

این نشریه افزود که یادداشت های منتشر شده از سوی وزارت دادگستری امریکا در ماه گذشته، نشان می دهد که عوامل سیا هنگام اجرای شکنجه محرومیت از خواب بر روی زندانی، وی را گاه تا چند روز با دست و پای زنجیر شده مجبور به ایستادن می کردند.

بر اساس این گزارش، پاهای زندانیان که از غذا خوردن نیز محروم می شدند، به زمین و دستان آن ها نیز در نزدیکی چانه شان به زنجیر کشیده می شد و بدین ترتیب، هرگاه به خواب می رفتند و از حال تعادل خارج می شدند، زنجیرهای دست و پاهایشان آن ها را در همان حال ایستاده نگه می داشتند.

بر همین اساس، در گزارش جدید سنای امریکا نیز اعلام شده که مقامات ارشد امریکا در پشت اجرای روش های خشونت آمیز بازجویی در گوانتانامو، عراق و افغانستان بوده اند.

این گزارش که در ۲۶۱ صفحه تنظیم شده از سوی کمیته سرویس های نظامی سنای امریکا به ریاست «کارل لوین» منتشر شده و احتمال دارد مشاجرات حال حاضر بر سر روش های شکنجه عوامل سیا را تشدید نماید.

این کمیته، تحقیقات خود را در دسامبر سال ۲۰۰۸ به پایان رساند، اما در طول روند علنی سازی شکنجه های غیرقانونی سیا اعلام نشد. گزارش ذکر شده حاصل تحقیقات این کمیته در مورد رفتار با زندانیان جنگ علیه تروریسم است.

معاون رئیس جمهور پیشین امریکا مدعی شد اطلاعات به دست آمده از شکنجه از مظنونین احتمالاً جان صدها هزار امریکائی را نجات داده است.

«دیک چنی»، روز ۲۰ ثور ۱۳۸۸، در مصاحبه با شبکه تلویزیونی «سی.بی.اس»، مدعی شد اطلاعات به دست آمده از شکنجه از مظنون به همکاری با القاعده «احتمالاً به نجات جان صدها هزار» امریکائی منجر شده است.

پیش از این با بالا گرفتن موضوع شکنجه مأموران سیا در زندان های امریکا در سراسر جهان، به ویژه زندان گوانتانامو معاون «جرج بوش» نیز با اعتراف به استفاده مأموران سیا از شکنجه علیه زندانیان گفت که این افراد از این طریق توانستند به اطلاعات مهم دست یابند.

چنی، با این استدلال که تکنیک هائی که منتقدان آن ها را به عنوان شکنجه تقبیح کرده اند برای شکستن مقاومت افراطیون دستگیر شده ضروری بوده، گفت: متأسف نیستم و فکر می کنم این دقیقاً همان کار درستی بود که باید انجام می شد.

او، بار دیگر با طرح این استدلال که القاعده مصممانه در پی حمله به یکی از شهرهای امریکا با یک سلاح هسته ای بوده، افزود: من کاملاً مطمئنم که جان هزاران، شاید صدها هزار نفر را نجات داده ایم.

معاون رئیس جمهوری پیشین امریکا، هم چنین در گفت و گو با شبکه سی.بی.اس هشدار داد که جانشینان وی امنیت جهان را کم تر کرده اند.

به دلیل تغییر سیاست های دولت بوش درباره بازجویی های خشن (شکنجه) و زندان نظامی در خلیج گوانتانامو توسط دولت «باراک اوباما» رئیس جمهور امریکا، چنی در گفت و گو با این شبکه گفت: ما در آینده همان امنیتی را که حدود ۸ سال (دوران بوش) از آن برخوردار بودیم، نخواهیم داشت.

وزارت دادگستری امریکا، هفته گذشته اسناد طبقه بندی شده ای را منتشر کرد که بر اساس آن مشخص شد که دولت بوش به سیا اجازه داد تا در بازجویی از زندانیان، از روش های خشونت آمیز استفاده کند.

این در حالی است که قانون گذاران جمهوری خواه و رؤسای قبلی سازمان سیا، به این اقدام وزارت دادگستری اعتراض کرده و مدعی شدند که افشای جزئیات روش های بازجویی به اثربخشی آن لطمه وارد می کند.

در مطالب منتشر شده به مواردی از شکنجه، از جمله غرق در آب شبیه سازی شده، محروم سازی افراد از خواب، قرار دادن شخص در زندان انفرادی و خشونت های فیزیکی دیگر اشاره شده است.

سازمان عفو بین الملل نیز در دلو ۱۳۸۹، از شکنجه منظم زندانیان در زندان های سری در عراق خبر داده است. به گزارش شبکه تلویزیونی العربیه، سازمان عفو بین الملل اعلام کرد دولت عراق زندان هائی سری را اداره می کند که

در این زندان ها زندانیان به صورت منظم شکنجه می شوند. هدف از شکنجه این زندانیان گرفتن اعترافات است که از این اعترافات برای محکوم کردن آن ها استفاده می شود.

سازمان عفو بین الملل، افزود هنوز حدود سی هزار نفر از مردان و زنان در عراق بازداشت هستند و برای گرفتن اعتراف، شکنجه می شوند.

رسوایی این جنایت ها بعد از ظهر روز چهارشنبه ۱۸ اپریل سال ۲۰۰۴ از برنامه معروف تلویزیونی «۶۰ دقیقه» که از شبکه اس.بی.اس. امریکا تحت عنوان «شکنجه در زندان های عراق؛ نمونه زندان ابو غریب» پخش می شد، با کمال وقاحت و در اوج بی شرمی به اطلاع جامعه جهانی رسید و در آن بعد از ظهر تمام جهانیان بر زندانیان زن و مرد ابو غریب که برهنه از سقف آویزان شده بودند یا چون سگ ها بر زمین کشیده یا مجبور به کارهای خلاف عفت می شدند، گریستند.

جهان آن بعد از ظهر به حال زنان زندانی ابو غریب که بی گناه وارد زندان شدند، اما با شکم هائی برآمده از نطفه های متجاوزان امریکائی از زندان خارج شدند و یا خود دست به خودکشی زدند یا خانواده هایشان برای از بین بردن آن ها را بی گناه و مظلومانه کشتند و بی صدا خاك کردند، خون گریست.

جامعه بین المللی در حالی آن گزارش را که بیشتر به يك فاجعه شباهت داشت، نگریست که صدای التماس ها و خواهش ها و تمناها و مویه های زندانیانی را شنید که موی را برتن هر موجود زنده ای راست می کرد و تصور آن ماورای گنجایش و ظرفیت عقل بشری بود؛ واقعاً اگر تصاویر و حکایت ها تا این اندازه وحشتناک و هولناک بودند، پس واقعیت ها چه بودند. اگر عکس ها و فلم و نوشته ها تا این اندازه از دیدن و خواندن این شکنجه ها لرزه بر اندام ها می اندازند، پس کسانی که تحت این شکنجه ها بوده و آن ها را لحظه به لحظه و ساعت به ساعت و روز به روز و ماه به ماه و سال به سال تحمل می کردند، چه کشیدند.

### **افشاءگری ها از زندان گوانتانامو**

[افشاءگری ویکی لیکس از زندان گوانتانامو نیز بسیار تکان دهنده است.](#) در پی انتشار اسناد محرمانه زندان گوانتانامو توسط ویکی لیکس بسیاری از رسانه های غربی در گزارش های متعدد خود به بازداشت افغان های بی گناه و بی اعتنائی پزشکان به موارد شکنجه اشاره کردند.

ویکی لیکس، با انتشار بیش از ۷۰۰ سند در رابطه با زندان گوانتانامو، از اشتباه در تشخیص هویت افراد در زمان بازداشت، گردآوری غیرفنی اطلاعات در مناطق جنگی و جزئیات جدید درباره مظنون اصلی حملات ۱۱ سپتمبر پرده برداشت و در پی افشاءگری این پایگاه اینترنتی درباره بی گناهی بسیاری از زندانیان که سال ها به عنوان تروریست بازداشت شدند، بسیاری از رسانه های غربی گزارش های تندی را در رابطه با اقدامات امریکا در پایگاه نظامی این کشور در کوبا منتشر کردند.

پایگاه اینترنتی ویکی لیکس بیش از ۷۰۰ سند را در رابطه با زندان گوانتانامو در کوبا منتشر کرد و نگرشی جدید را درباره وضعیت ۱۷۲ زندانی این بازداشتگاه ایجاد کرد. این پایگاه اینترنتی، فاش کرد که ۷۸۰ سرباز در زندان گوانتانامو به عنوان تروریست بازداشت شده اند که در این میان از ۲۲۰ نفر به عنوان تروریست تبهکار، ۱۵۰ فرد بی گناه افغان و پاکستانی و ۳۸۰ کلابردار حرفه ئی یاد شده است.

این اسناد پرونده های بیش از ۷۵۰ تبعه خارجی بازداشت شده در حملات ۱۱ سپتمبر سال ۲۰۱۱ امریکا است که به پایگاه نظامی امریکا در کوبا منتقل شدند.

شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در یکی از جلسه های خود، از امریکا خواست تا زندان گوانتانامو را ببندد و شکنجه در زندان های این کشور را متوقف کند و تحقیقاتی را در رابطه با استفاده نیروهای این کشور در عراق و افغانستان از شکنجه آغاز کند. در این کنفرانس هم چنین از امریکا خواسته شد تا به تبعیض علیه اقلیت ها و مهاجران پایان دهد و صدور حکم اعدام را برای زندانیان متوقف کند.

مسئول سایت ویکی لیکس با انتشار ۴۰۰ هزار سند محرمانه ارتش امریکا در مورد عملیات این کشور در عراق، از حمام خون در این کشور صحبت کرد.

این بزرگ ترین و بی سابقه ترین درز اطلاعاتی اسناد ارتش امریکاست و به ادعای ژولیان آسانژ بنیان گذار سایت ویکی لیکس، بسیار کامل تر از اسنادی است که در مورد افغانستان منتشر شده بود. بخشی از این اسناد، به دخالت حکومت اسلامی ایران و حمایت این کشور از شبه نظامیان شیعه عراق اختصاص دارد.

ژولیان آسانژ، در یک کنفرانس مطبوعاتی در لندن، به خبرنگاران گفت انتشار اسناد محرمانه نظامیان امریکا در مورد عراق به قصد افشای حقیقت صورت می گیرد.

آسانژ، با اشاره به اغماض امریکائیان در مورد شکنجه و پنهان کردن میزان کشته شدگان، خود را ملزم به مبارزه با مخفی کاری دانست و گفت وقتی جنگی در می گیرد، سعی می شود که حقایق پنهان شود.

پنتاگون و ناتو انتشار اسناد محرمانه نظامی را موجب به خطر افتادن جان سربازان می دانند و درصدد بازپس گرفتن اسنادی که بیرون برده شده، هستند.

آسانژ، تأکید کرد که بررسی این اسناد اجازه می دهد که جزئیات در مورد میزان کشته شدگان فاش شود. اسناد نشان می دهد که از حدود ۱۰۹ هزار کشته، ۶۶ هزار نفرشان غیرنظامی بوده اند. تعداد غیرنظامیان کشته شده از جمع کردن ارقام پراکنده ای به دست آمده است که در گزارش ها ذکر شده است.

پس از انتشار اسناد مربوط به شکنجه، «مانفرد نواک»، گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در زمینه شکنجه از باراک اوباما خواست تا به این موارد رسیدگی کند.

اما وزیر حقوق بشر عراق، گفت که اسناد منتشر شده «تعجب برانگیز نیست.» این مقام عراقی، تأکید کرد که آن ها بارها در چند مورد، به خصوص در ارتباط با آن چه در زندان ابو غریب می گذشت، هوشدار داده بودند.

در این میان یک سناتور امریکائی، دیگر کشورها و شرکت ها را فراخواند که ویکی لیکس را تحریم کنند. به گزارش فرستنده تلویزیونی سی.ان.ان. با استناد به گفته های دفتر سناتور لیبرمن، پس از این که همکاران این سناتور امریکائی، شروع به تحقیقات کرده اند، آمازون دیگر اجازه نداده ویکی لیکس از کامپیوتر خادم این شرکت استفاده کند.

سناتور لیبرمن، هم چنین خواستار آن شده بود که خدمات اینترنتی دیگر کشورها نیز اجازه ندهند ویکی لیکس از کامپیوترهای خادم آن ها استفاده کند. به گفته این سناتور: «رفتار غیرقانونی، شرم آور و بی گذشت ویکی لیکس، منافع امنیتی امریکا را به بازی می گیرد و جان افراد را در سراسر جهان به خطر می اندازد.»

لیبرمن، هوشدار داده بود: «هیچ شرکت با مسؤولیت امریکائی و خارجی نباید به ویکی لیکس کمک کند که اسناد سرقت شده را پخش کند.»

از سوی دیگر، برخی کشورها چون سران حکومت اسلامی، همواره این اسناد را بی تأثیر ارزیابی کردند اما این اسناد روابط برخی از کشورها، به ویژه روابط دولت های عربی با حکومت اسلامی را تیره تر کرد. بنابراین، افشاءگری های تاکتونی ویکی لیکس، به افزایش بی اعتمادی به دولت ها، نهادها و مؤسسات در جامعه جهانی بیش از پیش دامن زده است.

## ادامه جنگ فرقه نی و تروریسم در عراق

در حالی که آمریکا و متحدانش در حمله به عراق، همواره از مبارزه با «تروریسم» و ایجاد یک کشور «دموکراتیک» و تأمین «حقوق بشر» و برقراری «ثبات و امنیت» دم می زدند؛ اما در این یک دهه پس از تغییر حکومت دیکتاتوری صدام حسین در عراق، تروریسم دولتی و غیردولتی امان مردم این کشور را بریده است.

شیعیان، با حمله آمریکا به این کشور به موقعیت ممتازی دست یافتند. آن ها توانستند قدرت سیاسی را از سنیان عراق بگیرند که در دوران صدام حسین قدرت کامل را در دست داشتند.

سنیان و هم چنین کردهای عراق دولت نوری المالکی، نخست وزیر عراق را که شیعه مذهب است، متهم می کنند از شرایط پیش آمده سوء استفاده کرده و به تحکیم قدرت شیعیان پرداخته است.

روز سه شنبه ۲۹ حوت ۱۳۹۱، هم زمان با دهمین سالروز حمله نیروهای امریکائی و متحدانش به عراق، چندین انفجار بمب در محلات شیعه نشین بغداد و حومه جنوبی پایتخت عراق دست کم ۵۰ کشته برجای گذاشت. به گفته مسؤولان بیمارستان های بغداد، ۱۶۰ نفر نیز در این انفجارها مجروح شده اند.

به گزارش خبرگزاری رویترز، روز سه شنبه یک خودروی بمب گذاری شده در حوالی یک بازار شلوغ بغداد در نزدیکی منطقه حفاظت شده «منطقه سبز» منفجر شد و چند خودروی بمب گذاری شده دیگر نیز در چند نقطه دیگر پایتخت منفجر شدند.

در حادثه ای دیگر، یک بمب گذار انتحاری سوار بر کامیون به یک پاسگاه پولیس در محله ای شیعه نشین حمله کرد و با انفجار بمب شماری را به قتل رساند.

از آغاز سال ۲۰۱۳ میلادی، حملات مشابهی از سوی گروهی موسوم به «دولت اسلامی عراق» که شاخه سازمان القاعده در عراق است، انجام شده است.

در همین رابطه اواسط حوت سال ۱۳۹۱ نیز افراد مسلح و بمبگذاران انتحاری وابسته به القاعده به وزارتخانه دادگستری عراق که ساختمانی حفاظت شده بود، حمله کرده و ۲۵ نفر را کشتند.

بر اساس آمارهای رسمی و غیررسمی در سال های اخیر، در اثر عملیات های تروریستی و بمب گذاری ها در نقاط مختلف عراق به خصوص بغداد، نزدیک به صد هزار نفر از شهروندان عادی و بی گناه عراقی جان خود را از دست داده و یا زخمی و معلول شده اند.

## گزارشاتی درباره عراق

۱- مؤسسه تحقیقات دفاعی ملی در آمریکا در سال ۲۰۱۰، در گزارشی که برای وزارت دفاع آن کشور در ارتباط با وضعیت امنیتی عراق پس از خروج نیروهای رزمی امریکائی تهیه شده بود نوشت: «با توجه به ظرفیت و احتمال ناامنی در عراق پس از این خروج، آمریکا نمی تواند و نباید نسبت به ناامنی در عراق بی تفاوت باشد.»

نویسندگان تحلیل فوق، که توسط مؤسسه تحقیقات رند (RAND) در آمریکا منتشر شد، بر این باور هستند که نیروهای شبه نظامی و پیکارجویان سابق سنی، شیعه و کردها در عراق آن قدر توانائی و سلاح در اختیار دارند که اگر بخواهند دوباره عراق را به ورطه جنگ داخلی پس از اشغال عراق بکشانند و «حتی بقای حکومت بغداد را به خطر بیندازند.»

به نوشته رند، سنی ها ۱۰۰ هزار، کردها ۷۵ هزار و سپاه مهدی متعلق به شیعیان ۴۰ هزار نیرو دارند که در صورت بروز جنگ داخلی، به راحتی می توانند اسباب دردسر جدی برای عراق شوند.

در حال حاضر فعالان هر سه طیف یاد شده ترجیح داده اند که از طریق مشارکت در ساختار و فعالیت های سیاسی به دنبال رسیدن به اهداف خود باشند؛ اما این تصمیم ناشی از تمایل ذاتی به پرهیز از خشونت نیست، بلکه بر اساس محاسبه است و با تغییر شرایط می تواند تغییر کند.

۲- سایت اینترنتی «صدای امریکا» در تاریخ دوشنبه ۵ حمل ۱۳۹۲ برابر با ۲۵ مارچ ۲۰۱۳، گزارشی تحت عنوان «زندگی مردم عراق، ده سال پس از جنگ» پخش کرده است که بسیار جالب و خواندنی است. این سایت نوشته است: ده سال از ۲۰ مارچ سال ۲۰۰۳ و آغاز حمله نظامی به رهبری ایالات متحده به عراق می گذرد، تهاجم نظامی که به سرنگونی صدام حسین، رئیس جمهوری وقت عراق منتهی شد. با وجودی که آشناری از جامعه عراق معتقداند زندگی پس از صدام حسین تا حدودی بهتر شده است اما بسیاری هنوز از میراثی که جنگ برای این کشور به جای گذاشته است، خشمگین هستند.

کارگران بی کار صبح خیلی زود در منطقه ای در مرکز بغداد به امید یافتن کاری برای پرداخت هزینه های روزانه خود پرسه می زنند.

عابد خالد نقاش ساختمانی است. او ده سال است که این جا کار پیدا می کند. او می گوید در ماه فقط چند روز کار دارد و روزی ۳۵ دالر به دست می آورد.

خالد می گوید «همه زندگی سخت و مشقت باری را می گذرانند. کار نیست. وقتی یک کارفرما از راه می رسد همه به او هجوم می برند تا شاید بتواند کاری پیدا کنند. درآمدها بسیار ناچیز است. شرایط بسیار دشوار است و به نظر می رسد که اوضاع هر روز بدتر می شود».

خیابان های بغداد از تراکم کارگرانی که در تلاش اند بر سر کارهای خود حاضر شوند، مملو از خودروهای در حرکت است. تدابیر امنیتی شدید نیز عامل کند شدن جریان ترافیک است. بسیاری از ساکنان بغداد می گویند زندگی بسیار مشقت بار است. فقط تعدادی اندک از جنگی که بیش از صد هزار قربانی گرفت، سودی برده اند، درگیری و جنگی که حتی تا امروز هم قربانی می گیرد و هنوز ادامه دارد.

نجیله علی صبا، در بازار مرکزی شهر برای ۹ کودک و ۲۱ نوه خود خرید می کند. او می گوید، انفجار بمب جدی ترین نگرانی اوست.

صبا می گوید «زندگی به دلیل شرایط امنیتی و تروریست ها که بیش تر آن ها عراقی تبار نیستند، خیلی دشوار است، آن ها از کشورهای دیگر به عراق می آیند».

ده سال پیش نیروهای بین المللی به رهبری ایالات متحده حمله هائی هوائی و تهاجمی زمینی انجام دادند که حکومت صدام حسین را سرنگون کرد. اما بسیاری از مردم عراق می گویند نظامی که جانشین حکومت صدام شده است، به وعده های خود برای استقرار آزادی و دموکراسی عمل نکرد.

مردم عراق از سیاستمداران کشور خشمگین هستند. آن ها دولت مردان عراق را به فساد گسترده و تهیج تنش های قومی و نژادی متهم می کنند تا اهداف خود را به پیش ببرند.

هادی جالو ماره که ریاست «مرکز تحلیل های سیاسی» بغداد را به عهده دارد، می گوید «اختلاف ها و شکاف های بسیاری بین اقشار مختلف عراق وجود دارد. بعضی از اقوام کرد و شیعیان با صدام حسین مخالف بودند، اما برخی از سنی ها او را به حاکمیت کنونی ترجیح می دادند چون آن ها بر این باورند که شرایط سیاسی کنونی آن ها را از حقوق شان محروم کرده است».

مردم در محله مرفه نشین منصور غروب ها برای خرید به خیابان ها می آیند. اسامه رشید می گوید فروش مغازه لباس فروشی او بعضی روزها خوب است اما بعد از بمب گذاری ها که مردم را برای خروج از منزل به هراس می اندازد، فروش افت می کند.

رشید می گوید «شرایط امنیتی از دو سه یا حتی چهار سال پیش بهتر شده است اما ما امیدواریم که وضعیت بهتر هم بشود».

بعضی از ساکنان بغداد که هنوز شهری زنده و پر جنب و جوش است، در حسرت بازگشت زندگی عادی خود هستند. برخی هم هنوز امید دارند. بسیاری از آن ها می گویند هر روز به امید روز بعد زندگی می کنند.

### گزارش سازمان عفو بین الملل

سازمان عفو بین الملل نیز در آستانه دهمین سالگرد حمله نظامی به عراق با انتشار گزارشی اعلام کرد: مردم عراق پس از گذشت ۱۰ سال از تجاوز تحت رهبری امریکا به آن کشور، هم چنان بهای سنگینی را می پردازند. این سازمان مستقر در لندن، در گزارش خود با عنوان «یک دهه بد رفتاری» که ۱۳ مارچ ۲۰۱۳ منتشر شد، تأکید کرده است: به رغم سقوط حکومت بی رحم صدام حسین، عراق در چرخه شوم خشونت، نقض حقوق بشر، شکنجه، حمله به غیرنظامیان و محاکمات ناعادلانه گرفتار است.

این گزارش با اشاره به سوء رفتارهای نظامیان خارجی و نیروهای امنیتی عراق پس از تجاوز نظامی سال ۲۰۰۳ افزوده است: پس از برکناری رژیم صدام حسین باید اصلاحات بنیادی در زمینه حقوق بشر انجام می شد اما تقریباً از همان روز نخست، نیروهای اشغالگر نقض گسترده حقوق بشر و شکنجه بازداشت شدگان را آغاز کردند.

در ادامه گزارش آمده است: رسوایی زندان ابو غریب که توسط نیروهای نظامی امریکا به وجود آمد و کشته شدن فردی به نام بهاء موسی که در بازداشتگاه نیروهای انگلیسی در بصره به شدت مورد ضرب و شتم قرار گرفته بود، به وضوح نقض حقوق بشر را از همان ابتدای اشغال عراق به نمایش گذاشت.

عفو بین الملل، در ادامه گزارش خود نوشته است: به رغم این که در انگلیس و امریکا تحقیقاتی درباره برخی شکنجه ها و بد رفتاری های منفرد، انجام شده اما این دو کشور در رسیدگی سیستماتیک به نقض گسترده حقوق بشر توسط نیروهایشان در عراق ناکام مانده و نتوانسته اند از مرتکبان و مسؤولان این جرایم در همه سطوح حساب کشی کنند.

«در امریکا، اصولاً مسیر پیگیری قضائی به روی عراقیانی که قربانی نقض حقوق بشر و بد رفتاری نیروهای امریکائی بوده اند، مسدود است.»

در بخش دیگری از این گزارش از مقامات عراقی و نهادهای امنیتی آن کشور نیز به شدت انتقاد شده و آمده است: مقامات عراقی بعضاً به وقوع شکنجه و سوء رفتار اشاره کرده اند ولی عموماً این حوادث را حوادثی منزوی و منفرد توصیف کرده و تلاش نموده اند از آن ها فاصله بگیرند.

«در برخی پرونده های مهم نیز مقامات عراقی کمیسیون های تحقیقی برای بررسی موضوع تشکیل داده اند ولی نتایج کار این کمیسیون ها هرگز مشخص نشده است.»

به نوشته عفو بین الملل، نه دولت عراق و نه نیروهای اشغالگر به معیارهای حقوقی و بین المللی پایبند نبوده اند و مردم عراق هم چنان بهای سنگینی را به دلیل ناکامی آن ها می پردازند.

عفو بین الملل، در پایان تأکید کرده است: مقامات عراقی باید بدون تأخیر و به طور صادقانه اقدامات قاطعی را برای محافظت از حقوق بشر به عمل آورند.



## کردستان عراق

در کردستان عراق، مشکلات زیادی وجود دارد. یکی توسعه جغرافیائی این منطقه است. یعنی مناطقی مانند کرکوک و برخی مناطق دیگر که مناطق مورد مناقشه کردها با دولت مرکزی است از نظر جمعیتی اکثریت کرد را به خود اختصاص داده اند اما هنوز این مسأله حل و فصل نشده است.

کردها، همواره با تجهیز نیروهای پیشمرگ به سلاح های سنگین، هم چنان نگران تجاوز ارتش عراق هستند. دولت عراق، با این مسأله مخالف است و تأکید دارد که نیروهای محلی باید به عنوان پولیس داخلی فعالیت کنند و نه این که به عنوان نیروی نظامی دارای تسلیحات سنگین مقابل ارتش و پولیس حکومت مرکزی بایستند.

دولت مرکزی، تأکید دارد که هرگونه ارتباط اقلیم کردستان با دولت های خارجی، باید زیر نظر حکومت مرکزی باشد. اما کردها، به این اصرار دولت مرکزی اهمیتی نمی دهند و به فکر ادامه روابط خارجی مستقل خود هستند.

همه شواهد نشان می دهد که تجزیه عراق به مناطق کردنشین، شیعه نشین و سنی نشین نیز یکی از احتمالات است. هر چند که دولت های منطقه چون ایران و ترکیه و عربستان سعودی مخالف تجزیه عراق هستند. چرا که فکر می کنند تجزیه عراق معادلات سیاسی منطقه را به هم می زند و به ویژه مسأله کرد در ایران و ترکیه را تشدید می کند.

در واقع کردها در عراق، از جمله اصلی ترین اقلیت های این کشور محسوب می شوند که از دهه بیست میلادی همواره با حکومت های مرکزی روابط پر تنش داشته اند. از ابتدای تشکیل دولت عراق و پس از آن، کردها به عنوان یک اقلیت معترض در این کشور زندگی کرده و خواهان احقاق حقوق سیاسی و اجتماعی خود مانند خودمختاری، حق تحصیل و اطلاع رسانی به زبان مادری بوده اند و برای تأمین این خواسته ها راه های مسلحانه و سیاسی را پیش گرفته اند.

جنگ عراق و کویت و وضع ممنوعیت پرواز هواپیماهای عراقی بالاتر از طول جغرافیائی ۲۳ درجه در سال ۱۹۹۱، زمینه ای فراهم کرد که کردها کنترل منطقه را در دست گیرند و حکومت محلی خود را تأسیس کنند.

اولین انتخابات کردستان در ماه می ۱۹۹۲ برگزار شد، اما هیچ یک از دو حزب بزرگ شرکت کننده، یعنی اتحادیه میهنی و حزب دمکرات کردستان عراق در این انتخابات اکثریت آراء را به دست نیاوردند، در نتیجه توافق کردند که کردستان به دو بخش مساوی تقسیم شده و هر حزب اداره بخشی از آن را به عهده بگیرد.

در سال ۲۰۰۳، کردها با استناد به ماده اول قانون اساسی دائم جمهوری فدرال عراق، حکومت اقلیم کردستان را به طور رسمی تشکیل دادند. علاوه بر این، در همین دهه برای اولین بار کردها فرصت پیدا کردند که در سمت های کلان این کشور مانند ریاست جمهوری، معاونت نخست وزیر و کابینه کشور حضور پیدا کنند.

ماده اول قانون اساسی عراق تصریح می کند که جمهوری عراق، کشوری فدرال، متحد، مستقل و دارای حاکمیت است. در ماده سوم آمده است که عراق از ملت ها، ادیان و مذاهب مختلفی تشکیل شده و بخشی از جهان اسلام به شمار می رود.

در ماده چهارم همین قانون، زبان کردی در کنار زبان عربی به عنوان زبان رسمی کشور اعلام شده تا بدین ترتیب آن بخش از خواسته های کردها که سخنگوی حکومت اقلیم به آن اشاره می کند وارد قانون اساسی شوند.

اقلیم کردستان عراق، امن ترین نقطه این کشور محسوب می شود. اداره فدارل این منطقه توسط حکومت اقلیم کردستان عراق، تا حدودی کردها را به لحاظ سیاسی و مدیریتی از حکومت مرکزی مستقل کرده است.

از زمان برگزاری انتخابات عمومی عراق در ماه مارچ ۲۰۱۰، سه سال می گذرد. این انتخابات که در جریان آن هیچ حزبی موفق به کسب اکثریت مطلق آراء نشد، نه تنها مشکلات سیاسی جاری در این کشور را حل نکرد، بلکه بعد از

توافق نامه اربیل برای تشکیل دولت و حل خلاء قدرت در این کشور، منجر به بحرانی تر شدن اختلافات موجود نیز شد.

این اختلافات که بعد از ماجرای طارق هاشمی، معاون نخست وزیر عراق و پناه دادن حکومت اقلیم کردستان به وی شدت گرفت، باعث عمیق تر شدن شکاف بین سنی‌ها، شیعیان و خصوصاً کردها با دولت نوری المالکی شد. کردها، از بدو تشکیل دولت جدید عراق بر سر مسائلی مانند تعلیق ماده ۱۴۰ قانون اساسی مربوط به مسأله کرکوک، درآمدهای نفتی و بودجه نیروی نظامی پیشمرگ با دولت مرکزی مشکل داشتند هنوز هم این مشکلات حل نشده است. هنوز کردها، از درآمدهای نفتی به آن اندازه ای که باید سهم ببرند، نمی برند. زبان کردی هنوز به عنوان زبان رسمی در خارج از منطقه کردستان مورد استفاده قرار نمی گیرد. کردستان عراق می خواهد به عنوان یک منطقه فدرال در کشورهای خارجی نمایندگی داشته باشد، اما حکومت اجازه نمی دهد. مشکلات مناطق مورد مناقشه مانند موصل، کرکوک و دیاله حل نشده و ماده ۱۴۰ قانونی اساسی در رابطه با آن هنوز به اجراء در نیامده است.

هم اکنون حجم مناسبات تجاری میان کردستان عراق و ترکیه در حال حاضر به بیش از ۸ میلیارد دلار در سال رسیده و مبادلات اقتصادی با ایران نیز حدود ۵ میلیارد دلار افزایش یافته است. اما در حال حاضر طبق قانون اساسی عراق، حدود ۱۷ درصد از کل بودجه عراق به کردستان می رسد؛ میزانی که به دلیل اختلافات حکومت مرکزی و منطقه ای عملاً تنها ۱۲ درصد آن دریافت می شود.

طبق آمارهای رسمی اقلیم کردستان، در حال حاضر عمده نیازمندی های شهروندان این منطقه، از طریق مرزهای اقلیم با کشورهای همسایه وارد کردستان می شوند. نوزاد هادی، استاندار اربیل اعلام کرده که طی سال گذشته میزان مناسبات اقلیم با کشورهای همسایه بیش تر از ۲۰ میلیارد دلار بوده است.

سفین دزه ای، سخن گوی اقلیم کردستان عراق نیز گفته است که حجم مناسبات تجاری میان کردستان و ترکیه در حال حاضر به بیش از ۸ میلیارد دلار در سال و مبادلات اقتصادی با ایران به حدود ۵ میلیارد دلار افزایش یافته است. او، هم چنین از نرخ ۴ درصدی بی کاری در این منطقه خبر می دهد.

ریبوار کریم، روزنامه نگار و تحلیلگر سیاسی هم به ۱۷ میلیارد دلار سرمایه گذاری خارجی در بخش های مختلف کردستان عراق اشاره و آن را برای این منطقه «بسیار زیاد» توصیف کرده است.

اما واقعیت این است که رشد اقتصادی اقلیم کردستان نتوانسته زمینه ای برای حل دیگر مشکلات کردها با حکومت مرکزی باشد. بودجه تعیین شده از محل درآمدهای نفتی برای این منطقه تاکنون خود یکی از موارد محل مناقشه است. حکومت اقلیم کردستان در حال حاضر در دست دو حزب اصلی اتحادیه میهنی کردستان و حزب دمکرات کردستان عراق است و آن ها به عنوان طرف اصلی در مذاکرات با حکومت مرکزی شرکت می کنند، اما حزب تغییر و دیگر احزاب اپوزیسیون اقلیم، به روند این مذاکرات خوش بین نیستند.